

شرح مختصر احوال و آثار هانری دو فوشه کور در ابتدای کتاب و فهرست اعلام (نویسندگان، ناشران متون، مترجمان...)، و نیز فهرست تصاویر، که در آخر کتاب آمده است، هم بر فواید کتاب می‌افزاید و هم کار استفاده از آن و دست‌یابی به موضوعات آن را آسان می‌کند. این نکته را هم باید افزود که مقاله‌های مربوط به «خط تاجیک» و «کاوش‌های باستان‌شناسی در ادبیات» و «گنجینه تصاویر مرقع ایرانی و ترکی در استراسبورگ» با تصویرهای دیدنی و آموزنده همراه‌اند.

ع. روح‌بخشان

— نگاهی به فلسفه اشراقی سهروردی [به فارسی]، محمدتقی دانش‌پژوه؛

Mohammad Taqi DANĒSPAŪH: Aperçus sur la philosophie illuminative de Sohrevardi;

— رساله خط خلیل تبریزی [به فارسی]، ایرج افشار.

Iraj Afsār: Le traité sur la calligraphie de Xalil-e Tabrizi

ایران و خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها

سوگیتا هیده‌آکی^۱

نیهون جین نو چوتو هاگین^۲

(ایران و خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها)

نشر بنگاه انتشاراتی وابسته به دانشگاه توکیو، ژوئن ۱۹۹۵

۳۱۲+۴۶+۶ صفحه

توبیتی توکیو فارغ‌التحصیل شده (۱۹۷۸) و اکنون دانشیار این دانشگاه است. نخستین کتاب او درباره فرهنگ اسلامی، میراث فرهنگ اسلام و ایران و هنر اسلامی، در سال ۱۹۹۳ منتشر شد. سوگیتا بیشتر به فرهنگ و تمدن مصر علاقه و توجه دارد و در این باره تحقیق می‌کند.

در دو دهه گذشته، نوشته‌هایی حاصل تحقیق درباره ایران و اسلام و خاورمیانه در ژاپن منتشر

کتاب تازه‌ای به زبان ژاپنی درباره ایران و خاورمیانه در ژاپن انتشار یافته که نگرش نوی است بر پیوند و داد و ستدهای میان دو سوی شرق در گذر روزگاران و زمینه پیدا آمدن تصویر و تصویری که ژاپنیان امروز از ایران و مردم آن و دیگر سرزمین‌های خاورمیانه دارند.

نویسنده ایران و خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها، سوگیتا هیده‌آکی، متولد ۱۹۵۶، ازدانشگاه علوم

شده که نشانه نگاه تازه و علاقه نوانگیزخته پژوهندگان سرزمین آفتاب به ایران و اندیشه و قلمرو اسلام است. پس از کتاب‌ها و مقاله‌های شادروانان آتشی‌کاگا آتسواجی^۳ و گامو ری‌ایچی^۴ و دیگران، کتاب ایسورامو بونکا^۵، اثر ارزنده استاد زنده‌یاد ایسوتسو توشیهیکو^۶، در سال ۱۹۸۱ انتشار یافت. این اندیش‌مند عارف‌منش ترجمه‌ای هم از قرآن مجید به ژاپنی فراهم آورد. ایسورامو سکای نو هیتوتیو^۷ (مردم دنیای مسلمان) نیز، با همت و ویراستاری پرفسور کامیوکا کوچی^۸ و دیگران، در چندین مجلد، در سال ۱۹۸۴، به دست‌ریس ژاپنیان در آمد. اینک نوبت به نویسنده نسبتاً جوان سال ایران و خاور میانه از نگاه ژاپنی‌ها رسیده که، با شوق و تلاش بسیار و برخورد و بیانی بی‌باک و سنت‌شکن، مطالبی بس متنوع، در زمینه‌ای وسیع، کنار هم نهاده و کتابی درباره تصویر و تصور ژاپنی‌ها از خاور میانه و جریان و چگونگی شکل گرفتن آن پدید آورده است.

محتوای کتاب گسترده‌تر از آن است که عنوانش باز می‌گوید و، در واقع، بررسی تاریخ آشنایی ژاپن و خاور میانه با یکدیگر است. در پرداختن به موضوعی چنین گسترده، در صفحه‌هایی محدود، ناگزیر مبلغی کلی‌نگری در کار می‌آید. با این‌همه، مباحث کتاب نشان می‌دهد که چگونه ژاپنیان و سیاست ژاپن موضع خود را از هم ردیفی با کشورهای رنج دیده آسیا و آفریقا ارتقا دادند و در صف کشورهای اروپایی در آمدند و به هوای بهره‌کشی افتادند و بسا که این کار را وسیله‌ای برای اعتلا و پیش رفتن در راه تمدن و تجدد دانستند.

ایران و خاور میانه از نگاه ژاپنی‌ها شامل سه فصل است:

در فصل اول، که در واقع حکم مقدمه دارد، از آمدن ایرانیان و ره‌آوردهای ایرانی به ژاپن و تصویر ایران قدیم در آن کشور سخن می‌رود. از شعرای فارسی، که ره‌آورد راهبی بودایی از بندر زیتون و دیدار او با دو بازرگان ایرانی است، و از اشاره‌ها به ژاپن با عنوان جزیره وقواق در نوشته‌های جغرافی نویسان مسلمان.

در فصل دوم، از شکل گرفتن تصویر خاور میانه برای ژاپنیان پس از دوره باستان گفتگوست، در ۶ مبحث:

۱) نخستین اطلاعات دریافتی از مسافران اروپایی در سده شانزدهم و کالاهای گوناگون که از ایران می‌آمد؛

۲) اعراب و ترکان و تماس ژاپن با مسلمانان؛

۳) شناختن خاور میانه از سده نوزدهم، نخستین دیدارها از عربستان؛

۴) علاقه ژاپنی‌ها به مصر؛

۵) امپراتوری عثمانی و ایران و سفر ژاپنیان به این سرزمین‌ها؛

۶) آشنایی ژاپنی‌ها با اسلام و رسول اکرم (ص)، رفتن ژاپنی‌ها به مکه در قرن نوزدهم.

فصل سوم کتاب چهار مبحث دارد:

۱) نگاهی به سفرهای ابراهیم صحاف باشی و مهدیقلی هدایت به ژاپن؛

۲) جنگ روس و ژاپن و اثر آن، نوشته‌ها و

3) Ashikāgā Atsuji 4) Gāmō Reichi
5) Isuramu Bunka 6) Isutsu Toshihiko
7) Isuramu Sekai no Hito-bito
8) Kamioka Koji

دیگری است. براین برگ، بیتی از شاهنامه فردوسی و بیتی از ویس و رامین فخرالدین گزرگانی و نیز یک رباعی آمده و نوشته سال ۱۲۱۷ میلادی است.^{۲۰} در مبحث دوم از فصل اول این کتاب، در شرح

سروده‌ها در ایران و مصر در ستایش ژاپن؛
 (۳) جنبش و اندیشه استقلال مسلمانان؛
 (۴) میدان دید نو، زلزله بزرگ ژاپن و مصریان،
 مایه گرفتن نویسندگان خاورمیانه از افسانه ژاپنی.

ملاحظات تاریخی

نخستین بخش این کتاب مروری است بر تاریخ مناسبات ایران و ژاپن.

در سده هفتم میلادی، نماینده‌ای، با نامه امپراتور ژاپن، به دربار چین رفت. در خاورمیانه دگرگونی عظیم پیش آمد. شاهنشاهی ساسانی سرنگون و امپراتوری اسلام بنیاد شد.

مردم چین فارس را پو-سی^۹ می‌گفتند و عرب را تا-سی^{۱۰} [ظاهراً = تازی]. در ژاپن آن‌روزگار هم این نام‌ها را از چینیان گرفتند. ژاپن از راه چین با پو-سی رابطه فرهنگی داشت. شوسوین^{۱۱}، گنجینه امپراتوری ژاپن در نارا، این را خوب نشان می‌دهد. در گنجینه معبد بودایی هوریوجی^{۱۲} نیز نوشته‌های پیدا شده روی الواح چوبی و به زبان‌های پهلوی و سغدی گواه دیگر این رابطه است. شماری از محققان ژاپنی، از جمله ماتسوموتو سشیچو^{۱۳} و استاد ایتو گیکیو^{۱۴} و استاد ایموتو ائیچی^{۱۵}، کوشیده‌اند تا رد و آثار آمدن ایرانیان و فرهنگ ایرانی به ژاپن را بیابند. در ادب قدیم ژاپن نیز، داستان‌هایی همانند داستان‌های ایرانی می‌بینیم. نوشته‌ای هم که راهبی به نام کی‌سی جو-نین^{۱۶}، در دوره تاریخی کاماکورا^{۱۷} (سال‌های ۱۱۸۵ تا ۱۳۳۶)، در سفری به چین در دوره فرمانروایی سلسله سو^{۱۸}، در بندر زیتون، از چند بازرگان فارسی‌گوی گرفت و به‌ارمغان آورد و اکنون در معبد بودایی کوزان-جی^{۱۹} ژاپن نگه‌داری می‌شود نشانه

(۹) po-si کلمه چینی است به معنی ایرانی. می‌گویند که تحریفی است از فارسی. در چینی استعمال قدیم دارد. (از شرح استاد ایرج افشار بر خطای نامه، شرح مشاهدات سید علی‌اکبر خطائی معاصر شاه‌اسماعیل صفوی در سرزمین چین، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران ۱۳۵۷، پیوست ۶، ص ۲۳۵).

- | | |
|--------------------|----------------------|
| 10) ta-si | 11) Shōsoin |
| 12) Horyuji | 13) Matsumoto Seicho |
| 14) Itō Gikkō | 15) Imoto Eichi |
| 16) Kei Sei Jō-nin | 17) Kamakura |
| 18) Sou | 19) Kōzan-ji |

(۲۰) آمدن ایرانیان و فرهنگ ایران به این سوی خاور را منابع معتبر گواهی می‌دهد. در نیهونگی یا نیهونشوکی *Nihongi/Nihonshoki*، تقویم تاریخی ژاپن، که رویدادهای عمده از دوره باستان تا سال ۶۹۷ میلادی در آن ثبت شده، در شرح وقایع نیمه سده هفتم میلادی، از آمدن مسافرانی از سرزمین ایران به ژاپن یاد شده و در فهرست روی‌دادهای سال پنجم، هاکوچی *Hakuchi* (برابر سال ۶۵۴ میلادی) در دوره فرمانروایی امپراتور کوتوکو *Kōtoku* آمده است: «در ماه چهارم این سال، در تابستان، دو مرد و دو زن از سرزمین تُخارا و یک زن از سراواستی *S'rāvasti* به دست توفان دریا به کناره هینگو *Hingu* رانده شدند».

Nihongi; Chronicles of Japan from the Earliest Times to A.D. 675, W.C. Aston (tr.), Tuttle, Tokyo, 1972, p. 2/ 246.

تُخارا ناحیه‌ای در شرق بدخشان، در افغانستان کنونی، شناخته شده و سراواستی شهری باستانی در سرزمین هند بوده است (همان‌جا، حاشیه).

نیز، در شرح وقایع سال سوم فرمانروایی امپراتور سایمی *Saimei* (۶۵۷م)، می‌خوانیم: «در روز سوم ماه هفتم این سال، در پاییز، دو مرد و چهار زن از سرزمین تُخارا که (در نتیجه کشتی شکستگی) به کناره نسوکوشی *Tsukushi* افتاده بودند، گفتند: «مواج دریا ما را نخست به جزیره آمای (که اکنون آمامی اوشیما *Amami Ōshima* خوانده می‌شود) رانده. پس اسبان جاپار برای آوردن آنها فرستادند. «روز ۱۵ (همان ماه) الگویی از کوه سومی *Sumi* در جانب غربی معبد آسوکا *Asuka* ساخته و نیز جشنی به سلام ارواح درگذشتگان برگزار شد. در آن شب (و در آن مراسم)، مردم تُخارا پذیرایی شدند» (همان‌جا، ص ۲۵۱).

راه بندر ناگاساکی به ژاپن باز شده بود، از شهر ایواتا^{۲۲} در سیام، بازرگانان مسلمان مور^{۲۵} در ظاهر هلندی یا چینی، به ژاپن می‌آمدند و گفتنی است که زبان تجاری اینان فارسی بود.

مؤلف سخنی از سفینه سلیمانی و شرح آن درباره ژاپن به میان نیاورده است؛ اما، با این آگاهی، این نظر برای خواننده ایرانی پیش می‌آید که ربیع بن محمد ابراهیم، نویسنده سفینه سلیمانی، که همراه هیئتی از سوی شاه طهماسب صفوی، در سال ۱۰۹۶ هـ، به دربار سیام روانه شد و در کتاب خود شرحی نسبتاً دقیق از ژاپن و احوال حکومت و مردم آن آورده، اطلاع خود را به احتمال بسیار از این بازرگانان گرفته بوده است.^{۲۶}

در دوره توکوگاوا (سده‌های ۱۷ تا ۱۹)، ژاپنی‌ها با ایران کم و بیش آشنا بودند و اشاره‌هایی به ایران و ایرانی در داستان‌ها می‌آید؛ اما تصوّر روشنی از احوال و موقع جغرافیایی ایرانیان و ایران نداشتند. با رسیدن به سده نوزدهم، نویسنده این کتاب به نظریه شماری از رهبران تجدّد ژاپن در این سال‌ها، که مردم خاورمیانه را عقب افتاده و بعضاً فاقد استعداد پیش‌رفت و تعالی می‌دانستند، اشاره دارد و در چند جا نتیجه‌گیری خود را بازمی‌گوید که ژاپنی‌ها از هنگام برخوردن به اروپائیان فکر آنها را درباره خاورمیانه پذیرفتند و

این که جغرافی‌نویسان مسلمان ژاپن را به عنوان جزیره و قوقا یا واقواق می‌شناختند، آمده است که ایرانیان، در قرن‌های آغازین دوره اسلامی، درباره ژاپن چیزی نوشتند و آنچه مانده از مؤلفان عرب است. اما حقیقت حال این است که بیشتر این جغرافی‌نویسان، مانند موسی خوارزمی (وفات: ۲۳۳ هـ) ابن خردادبه (وفات: حدود ۳۰۰ هـ)، سهراب ابن سربابون، جغرافی‌دان ایرانی نیمه اول قرن چهارم هجری، و مؤلف عجائب‌الاقالم السبعه، ابوزید بلخی (حدود ۲۳۵-۳۲۲ هـ) و ابواسحق اصطخری، مؤلف المسالك والممالک، که آثار خود را به عربی، زبان علمی رایج در آن روزگار، در این بخش از جهان تألیف کردند، ایرانی یا ایرانی‌تبار بودند.^{۲۱}

سنت اروپائیان

در بخش اول از فصل دوم این کتاب، که عنوان آن «ایران» است، می‌خوانیم: پرتغالی‌ها و هلندی‌ها، که در قرن شانزدهم به ژاپن آمدند، کالاها و اندیشه‌های نو آوردند، از جمله نگرش خاص خود را نسبت به شرق. تا این هنگام، چین واسطه آشنایی ژاپن با خاورمیانه بود؛ اما، از این سال‌ها، اروپا واسطه دوم شد. گفتنی است که این اثر هنوز برجاست و ژاپنی‌ها هم‌چنان شرق را از نگاه غربیان می‌بینند و مطالعه ایران و خاورمیانه را شرق‌شناسی می‌نامند، حال آن‌که این منطقه برای آنها از نظر جغرافیایی غرب باید شمرده شود. در این دوره، ارمغان‌های گوناگون از کالا و نیز میراث فرهنگی به ژاپن آورده شد که در آن‌میان آثار ایران فراوان بود. گفته‌اند که یوشی مونه^{۲۲} فرمان‌روای هشتم خاندان سپهسالاری توکوگاوا^{۲۳}، از سال ۱۷۲۳، هر سال، اسب ایرانی سفارش می‌داد. در این دوره، که پای بیگانگان از

(۲۱) ← سیروس علانی: «طلوع و غروب نقشه‌نگاری در جامعه‌های سنتی اسلامی» در ایوانشناسی، سال هشتم، ش ۱، ص ۹۲-۱۰۵.

22) Yoshimune

23) Tokugawa

24) Iwāta

25) Moor

(۲۶) ← هاشم رحب‌زاده: «ژاپن به روایت سفینه سلیمانی (سفرنامه‌ای از روزگار صفویان)»، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال بیست و سوم، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۵۰۲-۵۳۹.

مردم ناراضی. تجدد، و در واقع راه دادن به غربیان، قدرت ملی را تضعیف کرده بود. یوشیدا ماساهارو^{۳۰}، که در رأس هیئتی به دربار ناصرالدین شاه آمده بود (سال‌های ۹۸-۱۲۹۷ هـ)، نیز چنین تصویری از ایران به دست داده است.^{۳۱}

27) Fukuzawa Yokichi

(۲۸) فوکوزاوا غرب را سرچشمه تمدن و معرفت برای ژاپن و فراآوری ارزش‌های اجتماعی برابری و اصالت فرد می‌داند. کتاب او، به نام احوال دنیای غرب (سی-یو-جی جو *Seiyō-Jijō*) که در سال ۱۸۶۶ منتشر شد، شرح ستایش آمیزی است از بنیادها و تأسیسات غربی که فوکوزاوا، در سفر خود به مغرب‌زمین، دیده و شناخته بود.

29) Ōyama Takanosuke

30) Yoshida Masaharu

(۳۱) برای سفر یوشیدا ← هاشم رجب‌زاده، سفرنامه یوشیدا ماساهارو نخستین فرستاده ژاپن به ایران دوره قاجار (ترجمه و تحقیق)، نشر آستان قدس، ۱۳۷۳؛ همو، «اوکازاکی شوکو *Okazaki Shoko*»، نخستین هیئت سفارت ژاپن به ایران، در آینده، سال پانزدهم، ش ۳-۵ (۱۳۶۸)، ص ۲۵۰-۲۵۷؛ همو، «ایران و ایرانیان از نگاه یوشیدا»، در یوانشنمی، سال پنجم، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۲): ص ۳۸۱-۳۹۷ و ش ۳ (پاییز ۱۳۷۲)، ص ۵۶۶-۵۷۹.

در سال‌های پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، ژاپنیان دیگر هم به ایران سفر کردند. شادروان اینوئه ائیبی *Inoue Eiji* (۱۹۰۱-۱۹۸۶)، در یادداشت‌های خود با عنوان واگا کایسو-نو-ایران *Wagā Kāisō-no-Iran* (یادهاجم از ایران)، که به کوشش فرزندش، ماسایوکی *Inoue Masayuki*، چاپ شد (توکيو، ۱۹۸۶)، از مسافران زیر نام برده است (فصل چهارم، ص ۲۸۰-۲۹۵):

هیئت سفارت به سرپرستی یوشیدا (۱۸۸۰-۱۸۸۱)؛ فوکوشیما یاساماسا *Fukushima Yasamasa* (۱۸۹۶) (او چند ماه - ماه‌های مه تا اکتبر - در ایران سفر کرد که در اثنای آن به آسیای میانه هم رفت)؛ یناگا توکیچی *Yenāgā Tokichi* (از او ۲۴ ژوئیه ۱۸۹۹، از طریق باکو و بانوم و از راه دریا، روانه استانبول شد و به سوریه و مصر و هند سفر کرد و در ماه مارس ۱۹۰۰، به ژاپن بازگشت. یناگا مأمور بررسی کار تریاک در حکومت ژاپنی تایوان بود)؛ اینوئه ماساجی *Inoue Masaji* در تابستان ۱۹۰۲ به ایران آمد و آسیای میانه را هم دید. سفرنامه‌اش، به نام چوئو آجیا دیوکو-کی *Chuo Ajjia Ryokō-Ki* (سفرنامه آسیای مرکزی)، در ۱۹۰۳، به همت

دنبال کردند و اثر این دریافت هنوز برجاست. در این شناخت، کسانی چنین می‌یافتند که اهالی خاورمیانه مردمان نیکی هستند و زبانی خوش‌آهنگ و زبانی زیبا دارند، اما بیشتر ژاپنیان نسبت به آنان نظر منفی داشتند. فوکوزاوا یوکیچی^{۳۲} (۱۸۳۵-۱۹۰۱ م)، اندیشه‌مند دوره تجدد ژاپن، جامعه انسانی در جهان را در چهار رده طبقه‌بندی کرده، اروپائیان را در مرتبه اعلا نهاده و عرب‌ها و ترک‌ها و ایرانیان و چینیان را در پایین‌ترین مرتبه جای داده است.^{۳۸}

عصر جدید

در بخش ۵ از فصل دوم این کتاب، نویسنده مروری دارد بر روزنامه سفر ژاپنیان در عثمانی و ایران در نیمه دوم سده نوزدهم. در آن سال‌ها، سه کشور ژاپن و ایران و عثمانی از جانب روسیه در تهدید بودند و بیشتر به همین ملاحظه با هم تماس یافتند. اوایاما تاکانوسوکه^{۳۹}، در یادداشت‌های سفر دریایش به عثمانی، نوشت که ترکان مردمی نیک‌طبع اما فقیر و بی‌آزرم‌اند، و امپراتور خودکامه ثروت و قدرت را در اختیار خود دارد. سفر ژاپنی‌ها به ایران و پایتخت آن، تهران، چندان آسان نمی‌گذشت؛ زیرا که باید راهی دراز را در کویر و کوهستان و در سرما و گرما سوار بر چارپا در نوردند و خستگی و گرسنگی و خطر راه‌زنان و نبود بهداشت و نداشتن بلد آزارشان می‌داد. فساد در دستگاه دولت نظرگیر و دزدی و قتل در میان مردم و مجازات‌های سخت و ستم‌گرانه حکام وحشت‌آور می‌نمود. در زمینه سیاسی و اقتصادی، شاه قاجار امتیازهای گوناگون به انگلیس و روس داده و بیگانگان بر اقتصاد ایران حاکم شده بودند و

ژاپن و اسلام

مبحث ۶ از فصل دوم کتاب درباره پیشینه اسلام‌شناسی در ژاپن است. مؤلف می‌نویسد که آرائی هاگوسکی^{۳۲} نخستین کس از ژاپنیان بود که پیش از دوره تجدد ژاپن، به مطالعه اسلام و شناخت پیامبر آن کوشید؛ اما، تا دوره میجی^{۳۳} که از سال ۱۸۶۷ آغاز شد، ژاپنیان نتوانستند با اسلام آشنایی درستی پیدا کنند. زیرا که منابع و مراجع آنها کتاب‌های آمیخته به تعصب مسیحی اروپائیان بود. هایاشی تاداسو^{۳۴} هم، که در سال ۱۸۷۶ داستان زندگی و رسالت رسول اکرم (ص) را به ژاپنی نگاشت، آن را از نوشته‌های اروپائیان برگرفت. در داستان‌هایی هم که، از آن پس، از زندگی رسول اکرم (ص) نوشته شد، به آن حضرت بیشتر به عنوان قهرمانی تاریخی توجه شده است. در سده نوزدهم، کسانی از ژاپنی‌ها مسلمان شده بودند، هرچند که شمارشان اندک بود. از اینان، تنی چند به زیارت حج رفتند. همه آنها در سرزمین‌های دیگر، نه در ژاپن، با اسلام تماس یافته و به آن گرویده بودند. در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم، دست کم شش بار زایران از ژاپن به حج، که در آن روزگار سفری دشوار و پرخطر بود، رفتند و چند کتاب درباره آداب حج تهیه شد. اما بیشتر این زایران، چون زبان عربی خوب نمی‌دانستند، فهم درست از مقصود زیارت کعبه نداشتند.

این سو و آن سوی شرق

مؤلف، در نتیجه‌گیری از دو فصل اول کتاب خود درباره آشنایی ژاپنی‌ها و مردم خاورمیانه با یک‌دیگر تا پیش از سده بیستم، نوشته است که پیش از آن‌که مارکو پولو «جیانگو» - وی ژاپن را به

این نام نامیده است - را بیابد، ژاپن برای مردم خاور میانه سرزمینی افسانه‌ای بود در مشرق چین. تنها در سده هیجدهم بود که شمار اندکی از مردم خاور میانه، از روی گزارش‌های اروپائیان، رفته‌رفته تصویر روشنی از ژاپن پیدا کردند. در نیمه دوم سده نوزدهم، کسانی از ایران و عثمانی به ژاپن آمدند و فرستادگان و مسافران نیز از ژاپن روانه ایران و آسیای میانه و عثمانی و عربستان شدند. چند روی‌داد سیاسی بین‌المللی هم توجه مردم خاورمیانه را به ژاپن بیشتر کرد که نمایان‌ترین آنها جنگ ژاپن و چین و پی‌آمدهای آن بود. اما دانش مردم خاورمیانه درباره ژاپن اندک بود، چنان‌که از گزارش اعتماد السلطنه در تاریخ منتظم ناصری و در المآثر و الآثار درباره پرسش‌های ناصرالدین شاه از فرستادگان ژاپن (بوشیدا ماساهارو و همراهانش) پیداست.

آشنایی مردم خاورمیانه با ژاپن، که با راه یافتن این کشور به بازارهای جهان و پیروزش در جنگ با چین و پی‌آمدهای سیاسی این رویداد دامنه پیدا کرد، در سال‌های آغاز قرن بیستم، با غلبه یافتن ژاپن در جنگ با روس، به‌اوج رسید و «شمس طالع» نور امید تازه‌ای بر دل‌های مردم رنج دیده از استعمار در آن سوی شرق تاباند؛ چنان که مصطفی کامل، از آزادی‌خواهان مصری، شعار «مصر برای مصریان» را سر داد و مردم را به جنبش خواند و کتابی با عنوان شمس طالع به عربی نوشت، و حافظ ابراهیم، شاعر مصری، نیز، با سرودن قطعه‌های دختر ژاپنی و جنگ روس و ژاپن، شوری در مردم برانگیخت.

→ بنگاه نشر کتاب مین‌بو-شا Minyo-Sha، منتشر شد. او، بر روی هم، سه هفته در ایران، (پنج روز آن را در تهران) گذراند.

32) Arai Hakuseki

33) Meiji

34) Hayashi Tadasu

خود، گزارش و یادداشتی را که از ابراهیم صحاف‌باشی و مهدیقلی هدایت از سفرشان به ژاپن به یادگار مانده بررسی کرده است.

در سفرنامه صحاف‌باشی (نشر شرکت مؤلفان و مترجمان، تهران ۱۳۵۷)، تجربه‌های او در سفر به آمریکا و اروپا و ژاپن و آسیای جنوب شرقی و جاهای دیگر در سال ۱۸۹۷ م (۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ هـ) آمده است. تاریخ ورود صحاف‌باشی به ژاپن (بندر یوکوهاما) ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۵ (۱۵ اوت ۱۸۹۷) و اقامتش در این کشور، بر روی هم، ۴۸ روز بود. یادداشت‌های ژاپن فقط بخش اندکی از سفرنامه صحاف‌باشی است و او در آن بیشتر دید منفی دارد؛ اما از شرحی که فوکوشیما یاساماسا^{۳۷}، سرهنگ ژاپنی که در سال ۱۸۹۶ ایران و آسیای میانه را سیاحت کرده و دیداری هم با صحاف‌باشی داشته، آورده است برمی‌آید که وی احساسی تحسینی هم نسبت به ژاپن داشته است.^{۳۸}

سخن مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) - که همراه میرزا علی‌اصغرخان اتابک، صدر اعظم قاجاریان، درست در روزهای پیش از آغاز جنگ روس و ژاپن (دسامبر ۱۹۰۳ و ژانویه ۱۹۰۴)، از ژاپن دیدن کرد - در سفرنامه‌اش (سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین، ژاپن و آمریکا، تهران ۱۳۲۳ ش) و در کتاب‌های دیگرش سراسر ستایش است. او خلیقات و منش و رفتار مردم و دولت ژاپن را نمونه تحسین برانگیزی برای فرد و جامعه

در ایران نیز، در میکادو نامه، که در همان سال ۱۹۰۵ و در گرماگرم جنبش مشروطه خواهی به تقلید شاهنامه و در ستایش پیروزی ژاپن ساخته شد و در چاپ‌خانه حبل‌المتین کلکته به طبع رسید، از رهبران و سرداران ژاپن همچون نمونه‌های فضیلت و میهن‌دوستی و تجدد و آزادمنشی ستایش شد. نویسندگان و روشن‌فکران این سوی شرق ژاپن را، در آن سوی خاور، نماد بیداری شرق و نمونه آرمانی می‌شمردند. اما نویسندگان ایران و خاورمیانه از نگاه ژاپنی‌ها، بی‌پرده‌پوشی و تعصبی، یادآوری و داوری کرده است که، در همان سال‌ها که آزادی‌خواهان خاورمیانه ژاپن را به چشم مُنجی خود می‌دیدند و برای رها شدن از استعمار به رهبری و عدالت‌خواهی او امید بسته بودند، گروهی از سران و نظریه‌پردازان سیاسی ژاپن اندیشه اداره قاره آسیا به دست ژاپن و نشان دادن آن به جای استعمار غربیان در خاورمیانه را در سر می‌پروراندند و رساله و کتاب در این باره یکی پس از دیگری منتشر می‌شد (بخش ۲ از فصل سوم کتاب). در سال ۱۹۰۶، توکوتومی گاهو^{۳۵} (۱۸۶۳-۱۹۵۷ م). در برابر قطعه بار سنگین سفیدپوستان (۱۸۹۹)، ساخته رودیارد کپلینگ^{۳۶} (۱۸۶۵-۱۹۳۶ م) انگلیسی، که در توجیه توسعه استعمار انگلیس و امریکاست، نظریه «بار سنگین زردپوستان» را در نامه ژاپنی مطرح ساخت، که بر مسئولیت ژاپن نسبت به ممالک دیگر آسیا تأکید دارد و پیش‌روی ژاپن در آسیا را برای اداره و حکومت بر این قاره به حق می‌داند.

مسافران ایرانی

نویسنده، در بخش نخست از فصل سوم کتاب

35) Tokutomi Gaho

36) Rudiyard Kipling

37) Fukushima Yasamasa

۳۸) برای شرح سفر ابراهیم صحاف‌باشی - هاشم رجب‌زاده، «ژاپن از چشم صحاف‌باشی»، در کلک، شماره ۲۸ (تیر ۱۳۷۱)، ص ۹۴-۱۱۴.

و کشور خواهان سعادت شمرده است.^{۳۹}

ژاپن، نمونه تجدد

بخش ۳ از فصل سوم این کتاب به جنبش استقلال-طلبی ملل مسلمان خاورمیانه، که از پیروزی ژاپن در جنگ با روس امید و نیروی تازه گرفته بودند، پرداخته است. این شوق و امید در دل‌های مسلمانان تا آنجا بود که به خود نوید می‌دادند که، ملت‌های مسلمان با اسلام آوردن امپراتور ژاپن، نیروی مقابله با قدرت‌های استعمارگر را پیدا کنند. تنی چند از مسلمانان خاورمیانه هم در این سال‌ها به ژاپن آمدند تا مردم آن را به اسلام دعوت کنند. چند اندیشه‌مند مصری به‌خصوص در این کار فعال بودند که از میان آنها باید از احمد فضلی و عبدالرشید ابراهیم یاد کرد.

بر این شرح می‌توان افزود که شماری از روحانیان و اندیشه‌مندان و آزادی‌خواهان مسلمان در امید و انتظار خود نسبت به ژاپن متجدد و پیروز برآمده از جنگ تا آنجا پیش رفتند که امپراتور آن را «مؤید الاسلام» خواندند و بعضی مطبوعات نیز شایعه اسلام آوردن امپراتور ژاپن را درست انگاشتند و، با درج اخبار آن، خوانندگان خود را به شور و سرور آوردند.^{۴۰}

ژاپن در ادب خاورمیانه

بخش ۴ از فصل سوم، یا بخش پایانی این کتاب، با عنوان «میدان دید نو» در سه مبحث، به زلزله بزرگ کانتو^{۴۱} (در مشرق ژاپن، سال ۱۹۲۳) و انعکاس آن در ادب مصر (اهل الکهف نوشته توفیق الحکیم، نویسنده مصری) و صادق هدایت (ترجمه او از داستان ژاپنی اوراشیما) پرداخته است. نویسنده

شرح می‌دهد که جنگ جهانی اول و انقلاب روسیه در اثنای آن در احوال ترک‌ها و ایرانیان و مصریان اثر داشت و، پس از آن جنگ، ترکیه و مصر استقلال یافتند و تصویر ژاپن در آثار ادبی خاورمیانه دگرگون شد. نمونه آن شعری است که احمد شوقی، شاعر شهره مصری، درباره زلزله بزرگ کانتو سرود و در سال ۱۹۲۶ منتشر ساخت. توفیق الحکیم، نویسنده نامور مصری، در نمایش نامه چهار پرده‌ای خود به نام اهل الکهف (غارنشینان) که آن را از یکی از قصص قرآنی (اصحاب کهف) برگرفته، از افسانه ژاپنی اوراشیما در پرداختن داستان سود جسته است.^{۴۲}

در همین سال‌ها، صادق هدایت نیز قصه اوراشیما را به فارسی در آورد.^{۴۳} نویسنده شرحی در معرفی صادق هدایت در برگردان او از این قصه ژاپنی آورده و کوشیده است تا ردّ متنی را که مأخذ این نویسنده ایرانی بوده است بیابد.

نویسنده، در پایان کتاب خود، در نتیجه‌گیری ازفصل

۳۹) برای سفر هدایت و شرح او درباره ژاپن - هاشم رجب‌زاده: «ژاپنی که مخبر السلطنه هدایت دید»، در ایران‌شناسی، سال اول، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۸) ص ۳۵۹-۳۸۳؛ «ژاپن از نگاه مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)»، در کتاب پلان، ش ۲ (شهریور ۱۳۷۰)، ص ۱۱۱-۱۴۱.

۴۰) برای تفصیل در این باره - هاشم رجب‌زاده، «مسلمان‌شدن امپراتور ژاپن»، در آینده: سال نوزدهم، ش ۱۰-۱۲ (دی-اسفند ۱۳۷۲)، ص ۹۵۳-۹۵۷.

41) Kanto

۴۲) این نوشته توفیق الحکیم، با عنوان غارنشینان، و آثاری دیگر از او (سه نمایش‌نامه و نیز داستان «به سوی زندگی بهتر») به همت و قلم شادروان استاد محمدریون گنابادی به فارسی ترجمه شده است. - گزیننده مقاله‌ها به کوشش محمد روشن (کتاب‌های جیبی، تهران ۱۳۵۶).

۴۳) برای ترجمه صادق هدایت از داستان اوراشیما - به مجله سخن، دوره دوم، ش ۱ (دی‌ماه ۱۳۲۳)، ص ۴۳-۴۵.

اشاره شد، تلاشی است برای دریافتن چگونگی شناخت ژاپن و خاورمیانه نسبت به هم از نظر تاریخی و نیز وضع امروزه آن - که خود ثمره عوامل تاریخی است. آشنایی مردم ژاپن با ایران را اگر نمونه بگیریم، در همین دو سه دهه اخیر شاهد دگرگونی پی‌درپی در آن بوده‌ایم. ایرانیان امروز، که در آغاز دهه ۱۹۷۰ برای ژاپنی‌ها مردمی تازه‌به‌دوران رسیده در جامعه مرفه جهان و خریداران دست و دل باز باکیسه‌های انباشته از پول نفت می‌نمودند، با تلاطم اوضاع، جهانیان، از جمله ژاپنی‌های کنجکاو و دل‌و‌پس اقتصاد و نفت، را متوجه احوال و عمل‌کرد سیاست خود ساختند و سال‌ها نیز دل‌نگران جنگی ناخواسته و ویران‌گر و آثاری که این مخاصمه برای جهان و خاورمیانه به‌ویژه ژاپن خواهد داشت.

سال‌های بسیار است که ژاپنی‌ها از خود و از دیدارکنندگان خارجی می‌پرسند که آیا ذهن ژاپنی و دروازه‌های فکری و فرهنگی ژاپن به روی جهان خارج باز یا بازتر شده است و اگر شده تا چه درجه و دامنه‌ای؟ یک حُسن تحقیق و تألیف از این دست این است که خواه ناخواه و تا اندازه‌ای به این پرسش پاسخ می‌دهد. شاید کسانی از منتقدان بگویند که کتاب مورد بحث بیشتر تنظیم و بازآرایی تازه‌ای از اطلاعات تاریخی است و به نتیجه و دریافت نویی نرسیده است. اگر هم چنین باشد، باز مطالب گردآمده در این اثر گریا و خواندنی است و راه پژوهش‌های پربارتر را برای مؤلف این کتاب و دیگر بررسندگان هموار خواهد ساخت.

سوم آن، بار آمدن تصویر ژاپن در ذهن مردم خاور میانه را از اواخر سده نوزدهم تا پیش از جنگ دوم پی گرفته و چنین یافته است: در خاورمیانه، ژاپن را همیشه از دیدگاه ناسیونالیستی یا اعتقاد دینی یا ملاحظات سیاسی نگریسته و آن را نمونه‌ای آرمانی و الگویی برای تجدد و ترقی شناخته‌اند. اما نگاه ژاپنی‌ها به خاورمیانه، در این یک سده پس از جنگ روس و ژاپن، از دید دل‌سوزانه ناسیونالیستی به ملاحظه واقع‌گرای مصلحت‌بین و بهره‌جو بدل شده است. این نگرش‌های متقابل، که در نیمه نخست سده بیستم شکل گرفت، در پنجاه سال اخیر چندان عوض نشده است. هرچند خبر بمباران‌های اتمی هیروشیما و ناگاساکی مردم خاورمیانه را هم سخت تکان داد، باز اندیشه‌مندان امروزه خاورمیانه، که مصریان ناموری چون محمدحسین هیکل نماینده آنان‌اند، هم‌چنان در پی پاسخی برای این سؤال‌اند که چرا آنها، که نهضت بیداری و ترقی خود را هم‌زمان با ژاپن آغاز کردند، هنوز در ابتدای راه مانده‌اند.

انتظار از نویسنده چنین کتابی، که به بررسی در زمینه‌ای مهم و گسترده و بیشتر ناشناخته درآمده، زیاد است، چه از نظر شایستگی علمی و ذهنی خود او و چه از لحاظ شیوه تحقیق و نتیجه‌ای که از کار خود فرامی‌آورد. بی‌آشنایی نزدیک با زبان‌ها و فرهنگ و مردم خاورمیانه، رسیدن به کُنه احوال آنها دشوار است. هم‌چنان که، بی‌معرفی به اندازه و بایسته به تاریخ و فرهنگ ژاپن و خلیقیات مردم آن، روح و احساس ژاپنی‌ها را نمی‌توان خوب دریافت. ایران و خاورمیانه از نظر ژاپنی‌ها، چنان‌که